



فساد دانشگاهی در ایران

نویسنده: ر. رضانی

نشریه آزادی اندیشه، شماره ۱، خرداد ۹۴، صفحه ۲۱۵ تا ۲۲۶

پیش‌گفتار - ۱

در ایران دانشگاه نهاد مستقلی نیست پیش از هرچیز بدین خاطر که اساساً خودِ دانش استقلال‌ی ندارد! [1] نهاد دانش در ایران از جمله به نهاد دین و نهاد سیاست پاسخگو و وابسته است. نخست، به خاطر تضادهایی که همواره میان دانشگاه و حوزه بوده است، دانشگاه‌ها رقیبانی جدی برای حوزه‌های علمیه به شمار می‌آیند و، زین‌رو، گرایشی در برخی از بخش‌های نظام سیاسی هست که از دانشگاه حوزه‌ای دیگر ساخته شود. به نظر می‌رسد گفتمان‌هایی چون «اسلامی‌کردن دانشگاه»، «علم اسلامی»، و «وحدت حوزه و دانشگاه» همه به هدف برداشتن تضادهای میان حوزه و دانشگاه از راه تبدیل دانشگاه به نهادی شبه‌حوزوی باشد. [2] زان‌بیش، در درون ساختار سیاسی نیز هریک از طیف‌ها می‌کوشد دانشگاه را از

آن خود سازد و به نظر می‌رسد ستیزی بنیادین میان گروه‌های سیاسی بر سر دانشگاه در جریان باشد. [3] معمولاً، با روی کار آمدن هر جناح سیاسی، تصمیم‌سازی‌های کلانی در رابطه با نهاد دانشگاه صورت می‌گیرد، تصمیم‌سازی‌هایی که گاهی در حقیقت چیزی جز کرد و کارهای فسادآمیز نیست.

در نگاهی کلی، فساد در ایران شدید و فراگیر است. این واقعیت را نه تنها آمارهای بین‌المللی تأیید می‌کند بلکه حتا از آنچه از درون نظام سیاسی به بیرون درز می‌کند نیز به‌خوبی نمایان است. گاه‌به‌گاه، طی ستیزه‌هایی میان گروه‌های سیاسی، پرده از فسادهایی بسیار درشت کنار می‌رود. برای نظر به معیارهای بین‌المللی نیز کافی ست رتبه‌بندی سازمان شفافیت بین‌المللی در زمینه‌ی فساد را ببینیم. در آخرین رتبه‌بندی، این سازمان رتبه‌ی ایران در زمینه‌ی فساد را، در میان ۱۷۵ کشور و منطقه، ۱۳۶ اعلام کرده است و در مقیاسی میان صفر (بسیار فسادآمیز) و صد (بسیار پاک) به ایران نمره‌ی ۲۷ داده است. [4] اما، در کنار شکل‌های جوراجور کردوکارهای فسادآمیز، فساد دانشگاهی در ایران از ناپیدترین‌ها و هم‌هنگام پرپیامدترین‌ها ست؛ دخالت بی‌حدومرز قدرت سیاسی در دانشگاه به وضعیتی انجامیده است که می‌توان آن را فساد دانشگاهی سازمان‌یافته (سیستمیک) به شمار آورد. نوشتار پیش‌رو می‌کوشد سویه‌های گوناگون فساد دانشگاهی در ایران را باز نماید.

۲- فساد دانشگاهی

ی پرشماری از کردوکارهای ناعادلانه، تبعیض‌آمیز، یا غیرقانونی که به دانشگاه و در این نوشتار، مجموعه دانشگاهیان مربوط می‌شود را «فساد دانشگاهی» می‌نامیم. فساد دانشگاهی یا «فساد در آموزش عالی» یکی از گونه‌های شناخته‌ی فساد است که در جاهایی حتا مراکزی برای مقابله با آن تأسیس کرده‌اند. [5] در یک تقسیم‌بندی کلی، می‌توان فساد را به دو گونه‌ی فساد دولتی [6] و فساد غیردولتی [7] تقسیم کرد. تعریفی ساده و کلی برای فساد، که فساد دولتی و غیردولتی هر دو را دربرمی‌گیرد، به شکل زیر است:

فساد: سوءاستفاده از قدرت یا جایگاه - که به کسی یا گروهی واگذار شده است - برای منفعت شخصی یا گروهی.

طبق تعریف بالا، در جریان فساد دانشگاهی نیز استادان، دانشجویان، کارمندان و دست‌اندرکاران دانشگاه، یا هر کس یا گروهی که تصمیم‌سازی‌هایشان با دانشگاه مرتبط است، از جایگاه‌شان به‌نادرست در جهت منفعت شخصی یا گروهی خود استفاده می‌کنند. بدین‌سان، روشن است که فساد دانشگاهی می‌تواند با شکل‌های دیگر فساد، همچون فساد سیاسی، فساد اقتصادی، فساد اداری و جزاین‌ها، درآمیزد یا مرتبط شود. هم‌آمیزی فساد دانشگاهی با شکل‌های دیگر فساد ردگیری، افشا، و اثبات فسادهای

دانشگاهی را دشوار می‌کند.

فساد دانشگاهی از جمله این موردها را شامل می‌شود: دزدی ادبی، جعل مدرک تحصیلی، خرید و فروش مدرک تحصیلی، تقلب، فریب‌دادن، رشوه‌دادن، خرابکاری، کم‌کاری در حرفه، جعل هویت، پارتی‌بازی، گروه‌گرایی، و خویشاوندسالاری. در مقابل این کردوکارهای فسادآمیز، از جمله می‌توان راهکارهای زیر را برای پیشگیری و اصلاح پیشنهاد کرد: تقویت ساز و کارهای نظارتی، به‌کرد سامانه‌های داوری و ارزیابی، شفافیت در استخدام‌های دانشگاهی و بورس‌های تحصیلی، منطقی‌کردن کمک‌هزینه‌ها و پژوهانه‌ها، و رتبه‌بندی دقیق مراکز آموزشی و مجله‌های علمی. در این نوشتار برخی شکل‌های اصلی فساد دانشگاهی در ایران در بخش‌های استخدام هیئت‌علمی، تولید علمی، و حمایت از پژوهش بررسی می‌شود.

۳- هیئت علمی

پس از گذشت سالیان، هنوز هم یادآوریِ ماجرای تصفیه‌ی استادان دانشگاه در جریان انقلاب فرهنگی در سال‌های آغازین انقلاب اسلامی مایه‌ی افسوس است. اما فقط نگاهی گذرا کافی ست تا دریابیم اعمال‌نظرِ سیاسی درمورد کرسی‌های دانشگاهی به انقلاب فرهنگی محدود نشد بلکه زان‌پس و تاکنون به شیوه‌های گوناگون، شیوه‌هایی ظریف‌تر و نهان‌تر، ادامه یافته است؛ در همه‌ی سالیان پس از انقلاب، دخالت قدرت سیاسی درمورد کرسی‌های دانشگاه به روش‌های مختلف برقرار بوده است: روش‌های کردن اجباری برخی استادان؛ روش‌های پیش‌گیرانه همچون اعمال گزینش‌های مستقیم همچون بازنشسته غیرعلمی؛ روش‌های پیش‌دستانه همچون جلوگیری از راه‌یابی مخالفان به مقاطع تحصیلی بالاتر و اعطای امتیازاتی همچون بورسیه‌های تحصیلی به خودی‌ها؛ و روش‌های ریشه‌ای‌تر همچون حذف یا تغییر برخی واحدهای درسی.

در دوره‌ی ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد روند جذب هیئت‌علمی و بورسیه‌های تحصیلات تکمیلی به شکل متمرکز درآمد. این کار گرچه در ظاهر برای جلوگیری از اعمال‌نظرِ دانشگاه‌ها انجام شد، در عمل دست دولت را در اعمال‌نظرِ سیاسی و ایدئولوژیک در جریان استخدام هیئت‌علمی بازتر کرد. به‌های‌طورمشخص، یکی از پی‌آیندهای زود هنگام این اقدام دولت احمدی‌نژاد همان قضیه‌ی بورسیه غیرقانونی دکتری بود. نشانه‌ها این حدس را تقویت می‌کند که شاید اساساً اصل قضیه‌ی متمرکزسازی درجهت زمینه‌سازی برای چنان فسادهای بزرگی بوده است. باید توجه داشت که بورسیه‌های دکتری در ایران عمده‌ترین راه برای گرفتن کرسی‌های دانشگاهی است. در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته، بورسیه‌های دکتری تنها در قبال کار پژوهشی مشخص در دوره‌ی دکتری به دانشجویان شایسته اعطا می‌شود و جز این درمورد اشتغال پس از دوره‌ی دکتری تعهدی برقرار نمی‌شود؛ نه دانشجوی تعهد می‌سپارد که پس از دوران دکتری برای سازمان مشخصی خدمت کند و نه ارگان بورسیه‌دهنده تعهد دارد

که دانشجوی بورسیه را به کار گیرد. در ایران اما بورسیه‌ی دکتری به معنای تعهد دانشجویی به خدمت برای سازمان بورسیه‌دهنده است. خود این سازوکار را باید یکی از سرچشمه‌های فساد دانشگاهی دانست چراکه به بی‌سوادی قشر تحصیل‌کرده می‌انجامد؛ دانشجویان بورسیه قرار نیست در دوران تحصیل کاری بیش از دانشجویان غیربورسیه انجام دهند بلکه، برعکس، چون پیشاپیش اشتغال خود را تضمین شده می‌بینند، کوشش بایسته را به کار نخواهند بست. اما، افزون بر این، وجود تعهد شغلی در بورسیه‌های دکتری نشان می‌دهد که اعمال نظر در این زمینه چه نقش فسادآمیزی در رابطه با هیئت‌علمی دارد.

در دوران ریاست‌جمهوری حسن روحانی بود که فساد بزرگ دوران احمدی‌نژاد در مورد بورسیه‌های دانشگاهی برملا شد. برملا شدن فسادها در ایران معمولاً نه توسط رسانه‌های آزاد بلکه در جریان نزاع‌های سیاسی انجام می‌گیرد. زین‌رو، اگر به جای روحانی کسی از گروه احمدی‌نژاد زمام امور را در دست می‌گرفت، چنان فساد بزرگی شاید هیچگاه بر ما معلوم نمی‌شد. باری، در جریان افشای این فساد بزرگ در جذب‌های دانشگاهی، هرچه بیشتر پرده از روی کردوکارهای فسادآمیز در آموزش عالی در ایران کنار رفت؛ در این میان، گفته شد که حتا نام برخی نمایندگان مجلس و فرزندان برخی مسئولان نظام در فهرست بورسیه‌های غیرقانونی بوده است. [8] نیز، در جریان دعوای گروه‌های سیاسی، این نظر طرح شد که فساد در بورسیه‌های دکتری به دولت احمدی‌نژاد محدود نبوده بلکه چنین وضعیتی در دولت‌های های غیرقانونی دکتری را درپیش از آن نیز حاکم بوده است. [9] دولت روحانی رسیدگی به بورسیه دستورکار قرار داد که این کار مخالفت‌هایی را از طرف جناح مقابل برانگیخت و استیضاح و برکناری رضا فرجی دانا، وزیر علوم وقت، را در پی داشت. در نهایت اما تصمیم دولت آشکارا با [ملاحظه‌کاری‌های سیاسی همراه بود که مانع از برقراری کامل عدالت شد. 10]

در انتخابات سال ۱۳۹۲ امیدهای بسیاری دانشگاهیان را به پشتیبانی از حسن روحانی برانگیخت. سایت «روحانی‌سنج»، که عملکرد رئیس‌جمهور ایران را رصد می‌کند، «بازگرداندن اساتید کنار گذاشته شده به دانشگاه» و «مخالفت با ستاره دار کردن دانشجویان» را دو وعده‌ی محقق‌شده‌ی رئیس‌جمهور به شماره آورده است. [11] اما، از این‌ها گذشته، اقدامات دولت در زمینه‌ی دانشگاه در حد انتظار نبوده است. بلکه، برعکس، نشانه‌هایی هست که ما را بدبین می‌کند. در اینجا تنها به یک مورد اشاره می‌کنیم و آن اظهارنظر رئیس مرکز جذب اعضای هیئت‌علمی وزارت علوم، حجه‌الاسلام دکتر محمدرضا رضوان: طلب، درباره‌ی جذب هیئت‌علمی است:

در تمام دنیا ورود به عرصه مدرسی دانشگاه و عضویت علمی شدن حساب و کتاب دقیقی دارد و حتی از راهنمایی و رانندگی و دستگاه قضا استعلام می‌گیرند و اگر از حدی تخلفات بیشتر بود فرد مورد نظر را شایسته استادی و الگو شدن در جامعه نمی‌دانند زیرا اگر یک نفر رعایت نکند جامعه ذهنیت منفی پیدا می‌کند و این دید منفی به دیگر اعضا نیز سرایت می‌کند.

دنیا انتظار دارد استاد پایبند باشد، دریک همایش بین المللی شاهد بودم که از استاد مسلمان انتظار ... دارند قرآن را حفظ باشد و دیده‌ام پزشکی که حافظ قرآن است و استاد دانشگاهی که تفسیر قرآن نوشته است. تظاهر به ضروریات دین لازم است همان‌طور که پیامبر(ص) و خدیجه(س) و علی (ع) نماز را آشکارا در مسجدالحرام اقامه می‌کردند، آن‌ها می‌توانستند در دخمه‌ای نماز بخوانند و به آنان سنگ پرانی و اعتراض نشود آن‌ها نگفتند ما ریا نمی‌کنیم و نماز را در پستو نخواندند و لازم است اساتید ما بدانند بنای [اولیه نماز براقامه آشکاراست و باید با حضور خود در نماز و آئین‌های دیگرالگوسازی کنند]. [12]

مغالطه‌ی سخن بالا آشکار است: حتا اگر، آن‌سان که گوینده می‌گوید، در تمام دنیا برای استخدام هیئت‌علمی از راهنمایی- رانندگی و دستگاه قضا استعلام شود، نمی‌توان نتیجه گرفت که استاد دانشگاه باید به ضروریات دین تظاهر داشته باشد. چراکه اولی به تبعیت از قانون مربوط می‌شود که امری مرتبط با سپهر همگانی‌ست و دومی به اعتقادات شخصی که به حریم خصوصی مربوط است. گرچه در سپهر همگانی قانون‌ها و قاعده‌هایی باید بر کنش‌های فرد حاکم باشد، حریم خصوصی جنبه‌ای از زندگی فرد است که کسی حق دخالت در آن را ندارد. اعتقادات مذهبی مربوط به امور شخصی و خصوصی‌ست. اگر او می‌خواهد بر پایه‌ی قیاس با تمام دنیا (!) استدلال کند، باید نشان دهد که در کشورهای دیگر نیز تظاهر به ضروریات دینی شرط استخدام هیئت‌علمی است. برای مثال، آیا در کشورهایی که اکثریت مردم مسیحی‌اند برای استخدام در هیئت‌علمی شخص باید به ضروریات مسیحیت تظاهر داشته باشد؟

نتیجه‌ی نظر کلی و رادیکال حجه‌الاسلام رضوان‌طلب این است که یک متخصص، هراندازه که در کار خود توانمند باشد، و گذشته از اینکه در چه زمینه‌ای کار می‌کند، نمی‌تواند به‌عنوان هیئت‌علمی استخدام شود مگر اینکه به ضروریات اسلامی تظاهر داشته باشد. توجه کنید که اینجا سخن از صرف باورمندی، و حتا صرف التزام عملی، نیست، بلکه سخن بر سر تظاهر عملی به ضروریات اسلام است. پی‌آورد چنین نگرشی چیست جز فساد دانشگاهی در شکل‌هایی چون معیارهای غیرعلمی، اعمال سلیقه‌های شخصی، فساد استخدامی، نابرابری، و در نتیجه فرار مغزها، بی‌سوادی، و رشد ریاکاری-همه‌ی چیزهایی که در دانشگاه‌های ایران کمابیش به چشم می‌خورد. باید از این مسئول پرسید: آیا کسی که در کار خود تخصص کافی دارد، و زان‌بیش هیچ سابقه‌ی کیفری هم ندارد، اما به هر دلیل نمی‌خواهد به ضروریات دین تظاهر کند، یا اساساً اعتقادی به مذهب ندارد، نباید به کار گرفته شود؟

پژوهش و تولید دانش - ۴

بحث پژوهش و تولید دانش چند سالی ست که به بحثی داغ در جامعه‌ی ایران تبدیل شده است. از این سو و آن سو آمارهایی می‌شنویم از جایگاه کشور در تولید علم، آمارهایی که ما را شگفت‌زده می‌کند. مثلاً گفته می‌شود که ایران اکنون از نظر تولید علم رتبه‌ی پانزدهم جهان را دارد [13] و اگر روند کنونی در

تولید علم ادامه یابد در سال ۲۰۱۸، یعنی تنها در عرض چهار سال، رتبه‌ی چهارم در جهان را به دست خواهد آورد. [14] پرسیدنی ست که هم‌اکنون کشور ایران از نظر توسعه در زمینه‌های گوناگون رتبه‌ی چندم دنیا را دارد و اگر همین روند توسعه ادامه یابد در عرض چهار سال رتبه‌ی چندم را خواهد داشت. پاسخ به چنین پرسشی نشان خواهد داد که آیا رتبه‌ی ما در زمینه‌ی تولید علم، هر قدر هم که خوب باشد، اصلاً نقشی در توسعه در دیگر ابعاد جامعه داشته است. با این حال، گذشته از نقشی که جایگاه علمی ما در جهان بر جایگاه ما در زمینه‌های دیگر دارد، اساساً اعتبار و معناداری چنان آمارهایی درباره‌ی جایگاه علمی ایران را باید جداً به پرسش گرفت. البته، گفتنی ست که در اینجا اثر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی امیدبخشی و نمایش چشم‌اندازی مثبت را نادیده نمی‌گیریم؛ روشن است که پیشرفت‌های هر چند اندک در هر زمینه‌ای را باید به دیده گرفت و آن‌ها را برای ایجاد حس خودباوری بازگو کرد. اما این نکته‌ی روان‌شناختی نباید باعث شود چشم خود را بر بسیاری واقعیت‌های ناپسند ببندیم و ذهن خود را به رؤیای دروغینی از پیشرفت سرگرم سازیم. در عوض، لازم است کمبودها و کاستی‌های خود را بشناسیم اگر قرار است آن‌ها را برطرف کنیم.

واقعیت این است که چنان آمارهای شگفت‌انگیزی درباره‌ی تولید علم در ایران از رویکرد کمی به پژوهش برخاسته است، رویکردی که به‌ویژه در دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد بر آموزش عالی حاکم بوده است. آنچه در رابطه با جایگاه ایران در تولید علم حتا از زبان مسئولان عالی کشور می‌شنویم بر اساس رتبه‌بندی‌هایی ست که در مورد چاپ مقاله‌ها در مجله‌های بین‌المللی انجام می‌گیرد. روشن است که سطح کیفی مجله‌ها بسیار متفاوت است و حتا برخی از آن‌ها با دریافت پول مقاله‌ها را حتا بدون ویرایش چاپ می‌کنند. بایسته است برای دقت در رتبه‌بندی ایران در تولید علم به طور دقیق مشخص شود که چه درصدی از مقاله‌های استادان و دانشجویان ایرانی در مجله‌های معتبر به چاپ رسیده و چه درصدی در مجله‌های پولی و بی‌ارزش چاپ شده است.

گذشته از کیفیت تولیدات پژوهشی، همچنین باید دید تولید علم در ایران با چه سازوکارهایی انجام می‌شود. درصد چشمگیری از مقاله‌های پژوهشی توسط دانشجویان تحصیلات تکمیلی نوشته می‌شود. این کار اجباری ست که از سوی دانشگاه، و در قبال هیچ، بر دانشجویان تحصیلات تکمیلی اعمال می‌شود و در این زمینه تفاوتی میان دانشجویان بورسیه و دانشجویان غیربورسیه وجود ندارد. همچنین، کمابیش همه‌ی دانشجویان ناگزیراند نام استادان را نیز به‌عنوان نویسندگی مقاله قید کنند حتا اگر آن‌ها درحقیقت نقشی در مقاله نداشته باشند. بایسته است روشن شود که کسانی که در رسانه‌های دولتی در ایران به نام «دانشمند جهانی» و «دانشمند جهان اسلام» معرفی می‌شوند چه تعداد از مقاله‌های اندپر شمارشان را به‌واقع خودشان نوشته‌اند.

نگاه کمی به تولید مقاله در ایران، به‌همراه مدرک‌گرایی و عدم سامانه‌های نظارتی، به نوع دیگری از فساد نیز دامن زده است که همان شکل‌گیری صنعت مقاله‌نویسی و پایان‌نامه‌نویسی است. [15] کافی ست را بنگریم. گویا ISI سری به خیابان انقلاب بزیم و سیل تبلیغات مختلف برای نوشتن پایان‌نامه و مقالات

مراکزی که حتا به طور رسمی ثبت شده‌اند کار نوشتن پایان‌نامه‌ها و مقالات پژوهشی را انجام می‌دهند. از خود خواهیم پرسید مگر پایان‌نامه نتیجه‌ی پژوهش چندساله‌ی یک پژوهش‌گر نیست که بتوان نوشتن آن را به دیگری سپرد. حتا اگر بدبینانه بگوییم که جامعه‌ی ما چنان به دزدی و دروغ آلوده شده است که پهنه‌ی پژوهش و دانش را هم نمی‌توان از این جهت مستثنا کرد، خواهیم پرسید چگونه می‌توان نوشتن که در مجله‌های خارجی چاپ می‌شوند را با پرداخت پول به دیگری سپرد. واقعیت این است ISI مقالات که دلایل متعدد، از جمله مهم‌تر از همه اعمال نفوذ در دانشگاه از راه معیارهای غیرعلمی، به وضعیتی انجامیده که راه را بر این‌گونه فسادها هموار کرده است؛ معمولاً در رشته‌های مختلف دانشگاهی در ایران گروهی از متخصصان وجود ندارند که بتوانند نقشی نظارتی داشته و سره را از ناسره جدا کنند. با نبود سامانه‌های نظارتی کارا و فراگیر، درحالی که بسیاری از بهترین‌های دانشگاهی طرد یا کوچانده شده و دیگران بر جای آن‌ها تکیه می‌زنند، هر از چندی از این سو و آن سو خبرهایی از فساد دانشگاهیان ایران [به گوش می‌رسد]. 16]

حمایت از پژوهش - ۵

گرچه هنوز کسانی را، از جمله در ایران، می‌توان یافت که از سر عشق و علاقه‌ی شخصی به کار علمی و پژوهشی دست می‌زنند و از قضا آثار ارزشمندی می‌آفرینند، در دنیای امروز معمولاً کار پژوهشی جدی بدون پشتیبانی مالی شدنی نیست. در ایران نیز حمایت از پژوهش در شکل بورس‌های خارج و داخل، پژوهانه برای دانشجویان دکتری، فرصت‌های مطالعاتی، و طرح‌های پژوهشی صورت می‌گیرد.

در نتیجه‌ی رویکرد کمی دولت به آموزش عالی، آمار پذیرش دانشجو در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری در چند سال گذشته به شدت افزایش یافته است. در این میان، اصلی‌ترین علت را باید ناتوانی دولت در حل معضل بیکاری دانست. دولت در عوض می‌کوشد جوانان را به تحصیل در سطوح بالاتر سرگرم سازد و بحران بی‌کاری را، گرچه به صورت ظاهری، چند سالی به تعویق اندازد. بی‌گمان حمایت شایسته از این تعداد دانشجو برای دولت شدنی نیست و فقط شمار اندکی از دانشجویان موفق به کسب بورسیه می‌شوند. زین‌رو، دانشجویان تحصیلات تکمیلی، به جای تمرکز بر کار پژوهشی، معمولاً به کارهای دیگر مشغول می‌شوند. اما حتا همان بورسیه‌های اندک نیز با سازوکاری عادلانه و غیرفسادآمیز به دانشجویان شایسته اعطا نمی‌شود. همان‌سان که در مورد بورسیه‌های دوران احمدی‌نژاد برملا شد، گروه‌گرایی، اعمال سلیقه‌های شخصی، و معیارهای سیاسی و ایدئولوژیک بر بورسیه کردن دانشجویان حاکم است. افزون بر این ایرادهای پایه‌ای، به نظر می‌رسد بهتر است بورسیه‌ها در قبال کار پژوهشی بوده و تعهد شغلی در میان نباشد. درباره‌ی پژوهانه‌های فرصت مطالعاتی نیز سازوکار مناسبی حکم‌فرما نیست؛ گاهی کسانی از فرصت مطالعاتی استفاده می‌کنند که حتا آشنایی لازم با زبان کشور مقصد را ندارند.

به طور کلی می‌توان گفت، به خاطر ساز و کارهای فسادآمیز، حمایت از پژوهش در ایران هدفمند نبوده و بر پایه‌ی گزینش علمی و عادلانه‌ی پژوهشگران برتر انجام نمی‌شود. زین‌جاست که برترین‌ها در رشته‌های دانشگاهی مختلف صلاح خود را در مهاجرت می‌یابند. در رابطه با علوم انسانی، افزون بر این نابه‌سامانی، باید به جهت‌دهی‌های سیاسی و ایدئولوژیک نیز اشاره کرد که پژوهش علمی مستقل را، اگر نگوییم ناممکن، دشوار کرده است در حالی که پژوهش‌های فرمایشی به شکل‌های مختلف مورد حمایت قرار می‌گیرند.

سخن پایانی - ۶

فساد دانشگاهی در ایران را باید بخشی از یک وضعیت دانست که می‌توان آن را «وضعیت فساد» نام نهاد. در وضعیت فساد سازوکارها چنان است که ارزش واقعی کارها و تولیدات به‌درستی تعیین نمی‌شود و زین‌رو میزان توانمندی افراد هم به‌درستی مشخص نمی‌شود. در نتیجه‌ی این وضعیت کسی بر جایگاه شایسته‌اش تکیه نمی‌زند. در چنین وضعیتی فساد فراگیر شده و نه‌تنها در هر گوشه و کنار جامعه بلکه نیز در ذهنیت افراد جامعه رخنه می‌کند چنانکه افراد خود را ناگزیر بلکه محق و برحق می‌دانند که راه‌های فسادآمیز را برگزینند. ویژگی دیگر وضعیت فساد این است که، با ایجاد یک «چرخه‌ی فساد»، خود را پیوسته بازتولید می‌کند. به زبان ساده، این ویژگی بازتولیدگرانه به این خاطر است که کسی که به‌گزارف بر جایگاهی تکیه زده است طبیعتاً هیچ‌گاه راه را بر شایستگان نخواهد گشود بلکه به فساد بیشتر دامن خواهد زد.

وضعیت فساد ممکن است دیر یا زود منتقد را به‌سمت نومیدی بکشاند چنان‌که هر کوششی برای به‌کرد را بی‌ثمر بشمارد. اما تا جایی که هنوز کورسوی امیدی برای به‌کرد هست، باید از فساد گفت و بازگفت و آن را چون گفتمانی اصلاحی پروراند. به‌ویژه در زمانه‌ای که کوشش‌های اصلاح‌گرانه از یک واگرایی کاهنده رنج می‌برند، فسادستیزی را می‌توان چونان رهیافتی هم‌گرایانه به ارتقاء مردم‌سالاری نگریست، های دیگر همچون رهیافت‌رهیافتی که بخت بالایی برای ثمربخشی دارد چراکه، برخلاف برخی رهیافت حقوق بشری، با مانع‌های مذهبی و فرهنگی روبه‌رو نخواهد بود. به‌ویژه اکنون، که برخی فسادهای درشت دوره‌های پیشین رو شده است، زمان مناسبی ست که کنشگران مدنی به فکر فعالیت علیه فساد باشند.

می‌توان همچون عبدالکریم سروش تضاد میان دانشگاه و حوزه را دراصل برخاسته از تضاد میان [2] علم و دین دانست. اگر چنین تبیینی درست باشد، از آنجاکه به نظر نمی‌رسد تضاد میان علم و دین برطرف‌شدنی باشد جز از راه کناراندن یکی به‌سود دیگری، پس نظام سیاسی در ایران، که درسرشت خود با دین پیوند دارد، قادر به از میان برداشتن تضاد میان دانشگاه و حوزه نخواهد بود مگر با از میان برداشتن خود علم. نظر عبدالکریم سروش را در اینجا ببینید

<http://www.mghaed.com/lawh/interviews/int.sorush.htm>

برای یک بررسی مفصل‌تر درباره‌ی نزاع در درون نظام سیاسی بر سر دانشگاه، بنگرید به [3]

www.merip.org/mero/mero022014

[4] <http://www.transparency.org/country#IRN> (برگرفته به تاریخ بیستم ژانویه ۲۰۱۵)

برای یک نمونه می‌توان به بخش دیده‌بان فساد در آموزش عالی در کالج بوستون اشاره کرد. بنگرید [5] به: <https://www.bc.edu/research/cihe/hecm.html>

همچنین، سازمان شفافیت بین‌المللی بخشی را در رابطه با فساد در آموزش عالی در خود دارد: http://www.transparency.org/gcr_education/content/higher

[6] public corruption

[7] private corruption

[8] <http://www.khabaronline.ir/detail/364920/society/education>

<http://www.parsine.com/fa/print/202588>

[9] <http://www.mehrnews.com/print/2368095/>

[10] اطلاعاتی نهایی وزارت علوم در زمینه‌ی بورسیه‌های غیرقانونی در تارنمای وزارت علوم ببینید

[11] <https://rouhanimeter.com/fa/> (برگرفته به تاریخ بیستم ژانویه ۲۰۱۵)

[12] <http://isna.ir/fa/print/93062313901/>

[13] <http://isna.ir/fa/print/93052512752/>

[14] <http://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1851&p=2>

[15] در این باره بحثی مفصل‌تر را در اینجا ببینید: <http://dw.de/p/1DWUS>

[16] برای یک نمونه‌ی متأخر از فساد دانشگاهیان ایران، که بسیار تکان‌دهنده و پیچیده است، بنگرید
به:

[A Case of Extensive Plagiarism \(guest post\) \(updated\)](#)